

قمار، مسابقات و سرگرمی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

ناشر: انتشارات میثم تمار
تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین
نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۵

www.saanei.org
www.feqh.org

فهرست مطالب

مقدمه

معنای مسابقه

مسابقه با آلات قمار با گروگذاری و عوض

الف. آیات

ب. روایات

مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض و گروگذاری

قصور آیات

قصور روایات

مسابقه با غیر آلات قمار با عوض و گروگذاری

۱. آیات

۲. روایات

حدیث «لاسبق»

۳. اجماع

۴. صدق مفهوم قمار

مسابقه با غیر آلات قمار بدون عوض و گروگذاری

نتیجه

کتابنامه

مقدمه

از هنگامی که بشر خود را در کنار دیگر هم نوعان خود دیده و ارتباط با دیگران را موجب آسایش و پیشرفت خود احساس کرده، قسمتی از عمر خود را در مسابقات، به طور مستقیم و غیر مستقیم، در گذشته و حال گذرانده است.

منشأ این کار، علاوه بر سرگرمی، تفریح، احیاناً خوشگذرانی، پر کردن وقت، کسب درآمد و گاهی تحصیل سودهای کلان مادی بوده است. چه بسا اگر مسابقه و حس برتری جوی و نمایاندن محاسن خویش بر دیگران نبود، پیشرفتی در زندگی بشر و رسیدن به امکانات، رفاه و آسایش کنونی حاصل نمی شد، و یا اگر می شد، چنین سرعتی نداشت. امروزه افراد، شرکت ها، مؤسسات خصوصی و دولتی و بالاتر از آن کشورها با توجه به همین مسأله است که روز به روز محصولات پیشرفته تر، دقیق تر و با امکانات بیشتر از آنچه دیگران تولید کرده اند به جوامع و استفاده کننده ها تقدیم می کنند. و در همین راستاست که هر از چند گاهی مسابقات علمی با جوایز ارزشمند، به منظور شناسایی نخبگان برگزار می شود.

به هر حال، زمانی این مسابقات در پرتاب سنگ و نیزه و یا شکار خلاصه می شد و کمی بعد به زور آزمایی، کشتی و دویدن و بعدها به تیراندازی، اسب سواری و... رسید، تا بالآخره انسان ها برتری خود را در خطاطی و سرعت و قدرت حافظه و... به رخ یکدیگر کشیدند؛ به طوری که در زمان حاضر، شمارش موارد مسابقات کاری آسان نخواهد بود.

امروزه در همه جای دنیا مسابقات بر پا شده و همه انسان ها، متناسب با فرهنگ و اقلیم خود، پذیرا و مجری آن شده اند. این تعدد و تنوع، مبنای افکار و اهدافی غیر از آن چیزی است که بشر اولیه را بر انجام آن وامی داشت. امروزه انگیزه این برنامه ها صرف سرگرمی، تفریح، ورزش و یا وقت گذرانی نیست؛ که اهداف بزرگ سیاسی، فرهنگی و خصوصاً اقتصادی را در پی دارد، که درک آنها بر کمتر کسی پوشیده است. چرا این گونه نباشد، در حالی که بخش وسیعی از برنامه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، روزنامه ها، مجلات و سایر وسایل ارتباط جمعی به این گونه امور اختصاص دارد. با کمی تأمل می توان دریافت که چه درآمدهای کلان و سودهای فراوانی از برپایی این مسابقات حاصل شده و چه مشاغل و کارهای دیگری — که فقط به برپایی این مسابقات وابسته هستند — ایجاد شده و به نحوی بسیاری از جوامع مختلف، پیر و جوان، زن و مرد، کودک و نوجوان از جوامع اسلامی گرفته تا غیر آن را مشغول خود ساخته است.

و از همه مهم تر این که در این میان، طیفی از متدینان، خواسته و ناخواسته، درگیر این برنامه ها شده اند، و همان طور که گفته شد، جوامع اسلامی نیز به عنوان واقعی خارج از کنترل با آن مواجه اند و همین امر، صاحبان فرهنگ و متولیان دین را بر آن داشته که این مسأله را از منظر دین مورد کنکاش قرار داده، به بررسی آن از این دیدگاه بپردازند.

گفتنی است که ادیان نیز از تشویق به برپایی مسابقات فروگذار نکرده و به ترویج برخی آنها پرداخته اند. شتردوانی، تیراندازی، و اسب دوانی مورد تأیید دین اسلام قرار گرفته و روایات بر جواز آنها — چنان که خواهد آمد — بسیار است.

در گذشته و حال سؤالاتی ذهن متدینان و متشرعان از طرفی، و فقها و دانشمندان را، به عنوان متولیان امور دینی ایشان، از طرفی دیگر، مشغول خود ساخته است. این سؤالات را، در میان نوشته ها و گفتارها، به خوبی، می توان یافت؛ سؤالاتی از قبیل:

۱. آیا حضور در محل برگزاری مسابقات و پرداختن پول بلیط جایز است؟ آیا این مسابقات از مصادیق هلو و لعب به شمار می آیند؟
 ۲. آیا مسابقات مورد تأیید و منصوص را می توان با تنقیح مناط و توسعه ملاک، به ابزار و مسابقات متناسب امروزه گسترش داد و مثلاً کشتی، تکواندو، کاراته، موتور سواری، اتومبیل رانی و تیراندازی با سلاح های امروزی را با ملاک تقویت قوای روحی و دفاعی و آمادگی جنگی با اسب دوانی و تیراندازی سنجید؟

۳. آیا درآمد به دست آمده (گروگذاری و شرط بندی) از این مسابقات حرام است؟

۴. اگر این مسابقات اهدافی غیر از برنامه های اقتصادی داشته باشند، چه؛ مثلاً برنامه های چون گسترش و تبلیغ فرهنگ ملل اسلامی یا تقویت بنیه علمی افراد و یا شناسایی نخبگان و رسیدگی به امور آنها؟

۵. مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن و... چه حکمی دارند؟

۶. آیا به نظر نمی رسد ذکر تیراندازی، شتردوانی و اسب سواری در روایات از باب ذکر مصادیق و نمونه باشد و با تغییر شرایط مصادیق و نمونه ها تغییر کند؟

۷. آیا با ابزار و آلاتی که قمار بازی می کنند، می توان فقط برای سرگرمی بازی کرد؟

۸. آیا با ابزار و آلاتی که در زمان حاضر وسیله قمار شده اند، ولی در زمان های گذشته اثری از آنها نبوده، می توان برای سرگرمی بازی کرد؟

۹. اگر اصل مسابقات و شرط بندی و گروگذاری در آنها نامشروع است چگونه است که در عرف جوامع متدین و متشرع همیشه پابرجا بوده، ولی منع خاصی از طرف علما و بزرگان صورت پذیرفته است؟! آیا این بزرگان چاره ای بر این مسائل اندیشیده بوده اند یا خیر؟

ما به این سؤالات و سؤالات دیگر در این موضوع از دیدگاه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی — ادام الله ظلّه — پاسخ خواهیم داد. نگرشی نو از منظر فقه پویا متناسب با تغییر شرایط و با تکیه بر آرا و نظریات سلف صالح، و برگرفته از کتاب، سنت و عقل — ان شاء الله.

معنای مسابقه

مسابقه از ریشه «سَبَقَ» به معنای پیش افتادن و سبقت گرفتن است^۱ و اصل مفهوم پیشی گرفتن و رقابت در همه چیز در آن نهفته است.^۲ در قرآن و روایات، ماده «سَبَقَ» و مشتقات آن به همین معنا و مفهوم به کار برده شده است.

در سوره یوسف این چنین می خوانیم:

(إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْعِنَا)^۳

ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم.

و در آیه ای دیگر از همین سوره می بینیم:

(وَ اسْتَبَقَا الْيَابِ)^۴

و هر دو به سوی در دویدند.

و در سوره «یس» می خوانیم:

(فَاسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ)^۵

سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند.

لسان العرب به نقل از الازهری می گوید:

استباق در آیه اول به معنای تیراندازی و در آیه دوم به معنای جلو افتادن در رسیدن به هدف و در آیه سوم به معنای رد شدن، پشت سر گذاشتن و عبور

است که معنا و مفهوم مسابقه و مفهوم پیشی گرفتن در دو آیه اول کاملاً مشهود است.^۶

البته در سوره «بقره» می خوانیم:

(فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ)^۷

در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوئید.

که به معنای شتاب کردن و سرعت است.

از دیگر کاربردهای این ریشه در قرآن عبارت انداز:

(فَالسَّبِقَاتِ سَبَقًا)^۸

و سپس بر یکدیگر سبقت می گیرند.

(لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)^۹

اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، به خاطر چیزی (اسیرانی) که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می رسید.

(وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)^{۱۰}

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگام اند، آنها مقربان اند.

۱ . فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۸۱۸.

۲ . لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۱.

۳ . سوره یوسف، آیه ۱۷.

۴ . سوره یوسف، آیه ۲۵.

۵ . سوره یس، آیه ۶۶.

۶ . لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۲.

۷ . سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۸ . سوره نازعات، آیه ۴.

۹ . سوره انفال، آیه ۶۸.

۱۰ . سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱.

کاربرد این واژه به این معنا و مفهوم در روایات فراوان بوده، که به بررسی آنها خواهیم نشست. در اصطلاح فقه «سَبَق» به عقدی اطلاق می شود که به منظور پیشی گرفتن و غلبه بر دیگری در موارد تعیین شده از طرف شارع در مقابل چیزی که به برنده تعلق خواهد گرفت با حفظ شرایط آن منعقد می گردد.

به طور کلی، فقهای بزرگی چون مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله)^{۱۱} و به تبع آن، مرحوم سید احمد خوانساری (رحمه الله)^{۱۲} و مرحوم آقای خویی (رحمه الله)^{۱۳} کلیه مسابقات را به چهار گروه تقسیم کرده و از این مجرا به بررسی احکام آن پرداخته اند:

۱. مسابقه با آلات قمار با عوض و گرو،
۲. مسابقه با آلات قمار بدون عوض و گرو،
۳. مسابقه بدون آلات قمار با عوض و گرو،
۴. مسابقه بدون آلات قمار و بدون عوض و گرو، یعنی مطلق مغالبه و مسابقه.

مسابقه با آلات قمار با گرو گذاری و عوض

بعضی از اهل لغت گفته اند:

القمار رهن الشيء على اللعب بشيء من الآلات المعروفة؛^{۱۴}
 قمار عبارت است از بازی با آلات معروفه همراه با گرو گذاری و عوض.
 که مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله) در مکاسب به آن اشاره کرده است.^{۱۵}
 حرمت لعب و مسابقه با آلات قمار بین علمای اسلام (خاصه و عامه) اجماعی است؛ چنان که مرحوم علامه (رحمه الله) در منتهی المطلب فرموده و فقط شافعی را در بازی با شطرنج مخالف این اجماع می داند.^{۱۶}

و نیز مرحوم شهید ثانی (رحمه الله) در مسالك الافهام می نویسد:
 مذهب الاصحاح تحرم اللعب بالآلات القمار كلها، من الشطرنج و الرد و الاربعة عشر و غيرها. و وافقهم على ذلك جماعة من العامة منهم ابوحنيفة و مالك و بعض الشافعية؛^{۱۷}

روش فقهائی علمای مذهب (شیعه) به گونه ای است که بازی با کلیه ابزار و آلات قمار را حرام می دانند و بر این مسأله، رأی موافق جماعتی از عامه مثل ابوحنیفه و مالك و بعضی از شافعیه همراه آنان است.

مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله) هم فرموده است:

ولا اشكال في حرمتها و حرمة العوض و الاجماع عليها تحقق و الاخبار به متواترة؛^{۱۸}

هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت این قسم از بازی ها و حرمت عوض آنها نیست و اجماع بر آن محقق شده و اخبار در مورد آن متواتر است.

و نیز سید احمد خوانساری (رحمه الله) می نویسد:

اللعب بالآلات القمار مع الرهن و لا اشكال في حرمة العوض للاجماع و الأخبار؛^{۱۹}

۱۱ . المكاسب المحرمة، شیخ انصاری (رحمه الله)، ص ۴۷ .

۱۲ . جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷ .

۱۳ . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۶۸ .

۱۴ . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳ .

۱۵ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷ .

۱۶ . منتهی المطلب في تحقيق المذهب، ج ۲، كتاب التجارة، ص ۱۰۱۲ .

۱۷ . مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۷۶ .

۱۸ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷ .

۱۹ . جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۷ .

هیچ حرف و اشکالی متوجه حرمت بازی با آلات قمار با عوض و گرو گذاری در آنها نیست؛ همچنین است حکم عوض آنها. و دلیل بر آن، اجماع و اخبار است.

الف. آیات

در کتب فقهی آیات دلالت کننده بر حرمت این قسم از مسابقات را این گونه می آورند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ؟^{۲۰}

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نمی آکید) خودداری خواهید کرد؟!

مرحوم علامه (رحمه الله) در منتهی المطلب می فرماید:

و فی هذه الآية دلالة علی تحريم الخمر و القمار من عشرة اوجه؛^{۲۱}

و این آیه بر حرمت خمر و قمار به ده وجه دلالت دارد.

البته هیچ اشاره ای به این وجوه نمی کند، ولی آنها را می توان این گونه بر شمرد:

۱. رجز: پلید است.

۲. من عمل الشيطان: از عمل شیطان است.

۳. فاجتنبوه: از آنها دوری کنید.

۴. مجاورت و مقارنت میسر با خمر (شراب) و انصاب (بت پرستی) که هر دو حرمتشان قطعی می باشد.

۵. لعلکم تفلحون: تا رستگار شوید.

۶. انما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة: شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت ایجاد کند.

۷. والبغضاء: و کینه ایجاد نماید.

۸. و يصدكم عن ذكر الله: و شما را از یاد خدا باز دارد.

۹. عن الصلوة: و از نماز باز دارد.

۱۰. فهل انتم منتهون: آیا با این همه زیان و فساد خود داری خواهید کرد؟

لسان العرب به نقل از قول مجاهد می گوید:

كل شيء فيه قمار فهو من الميسر حتى لعب الصبيان بالجوزة؛^{۲۲}

هر چه در آن قمار باشد میسر محسوب می شود حتی بازی کودکان با گردو.

یعنی هر چیزی که در آن قمار باشد، میسر است و گفته شد که قمار، بازی با ابزار و آلات آن با عوض و گرو گذاری است؛ بنابراین، دلالت آیه بسیار روشن است.

مقدس اردبیلی می فرماید:

ثم اعلم ان ظاهر الآية تحريم الخمر و كل مسكر مطلقاً و كذا كل قمار و ميسر...؛^{۲۳}

بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و میسر دلالت می نماید.

آیه دیگری که دلالت بر حرمت این قسم از مسابقات دارد، این آیه شریفه است:

۲۰. سوره مائده، آیه ۹۰ — ۹۱.

۲۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، کتاب التجارة، ص ۱۰۱۲.

۲۲. لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۸.

۲۳. زبدة البيان فی احکام القرآن، ص ۶۳۱.

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)^{۲۴}؛

درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظرمادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است».

علاوه بر ظاهر این آیات، روایات رسیده در تفسیر آنها نیز هستند؛ مانند خبر ابراهیم بن عنبسه:

و عن حمدويه، عن محمد بن عيسى قال: كتب ابراهيم بن عنبسه يعني ابي علي بن محمد (عليه السلام) ان رأی سیدی و مولای ان یخبرنی عن قول الله — عزوجل — (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ) الآية، فما الميسر — جعلت فداك — ؟ فكتب: كلما قومر به فهو الميسر و كل مسكر حرام^{۲۵}؛
درباره میسر در آیه شریفه از امام هادی (علیه السلام) در نامه ای سؤال شد و حضرت در جواب نوشتند: هر چیزی که با آن قمار شود، میسر است و هر مست کننده ای حرام.

یا خبر ابی الجارود در تفسیر آیه «انما الخمر و الميسر ...» از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که:

و اما الميسر فالنرد و الشطرنج و كل قمار ميسر و ...^{۲۶}؛

و اما ميسر، نرد و شطرنج و هر قماری ميسر است و ...

ب . روایات

مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله) می فرماید: روایات دلالت کننده بر حرمت بازی و مسابقه با ابزار و آلات قمار با گرو گذاری و عوض مستفیض، بلکه متواترند.^{۲۷} علاوه بر دو روایت ذکر شده، به چند روایت دیگر نیز اشاره می کنیم:

صحیحة محمد بن مسلم، عن احدهما (عليهما السلام) قال: «لا تصلح المقامرة و لا النهبة»^{۲۸}؛

قمار و غارت اموال، سزاوار و به صلاح نیست.

این سخن قابل پذیرش نیست که «لا تصلح» اعم از حرمت و کراهت است؛ چون متعلق «لا تصلح» چیزی است که دلالت بر حرمت می کند و آن «نهبه» یعنی غارت اموال است که نمی توان در مورد آن، حکم به کراهت نمود. پس، به قرینه مجاورت، حکم به حرمت مقامره می شود.

موققه سکونی، عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال:

كان ينهى عن الجوز یجیء به الصبيان من القمار ان یؤکل و هو سحت^{۲۹}؛

حضرت از خوردن گردوهایی که کودکان از قمار حاصل می کردند، نمی نموده و فرمودند حرام است.

صحیحة و شاء، عن ابی الحسن (علیه السلام) قال سمعته یقول:

الميسر هو القمار^{۳۰}؛

میسر همان قمار است.

بنابر آنچه گفته شد، حرمت صورت اول مسابقات، یعنی برد و باخت با ابزار و آلات قمار با شرط عوض و گرو گذاری، از ضروریات فقه و قدر متیقن از آیات، روایات و اجماع است.

۲۴ . سوره بقره، آیه ۲۱۹ .

۲۵ . وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۵ .

۲۶ . وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲۲ .

۲۷ . المكاسب المحرمة، ص ۴۷ .

۲۸ . الکافی، ج ۵، باب القمار و النهبة، ص ۱۲۳ .

۲۹ . همان .

۳۰ . همان، ص ۱۲۴ .

مسابقه و بازی با ابزار و آلات قمار بدون عوض و گرو گذاری

حرمت این قسم از بازی ها و مسابقات مثل بازی برای سرگرمی با شطرنج و ورق — که امروزه هم خیلی رایج و مورد ابتلاست — از دیدگاه برخی از بزرگان مانند فقیه دقیق و متقی، مرحوم سید احمد خوانساری (رحمه الله) مورد تشکیک قرار گرفته است؛ آنجا که می فرماید:

اللعب بالآلات القمار من دون رهن قد يشك في حرمة ...^{۳۱}

حرمت بازی با آلات قمار، بدون عوض و گرو گذاری، مسلم نبوده و مورد تشکیک است.

همچنین مقدس اردبیلی (رحمه الله) می فرماید:

ثم اعلم ان ظاهر الآية تحريم الخمر و كل مسكر مطلقاً و كذا كل قمار و ميسر لكن مع اخذ الرهن...^{۳۲}

بدان که ظاهر آیه بر حرمت خمر و هر مست کننده مطلقاً و همچنین هر قمار و میسر (بازی با ابزار و آلات قمار) به شرط عوض و گرو گذاری دلالت می نماید.

شیخ انصاری (رحمه الله) نیز می فرماید:

در این که بازی با آلات قمار اما بدون عوض و گرو گذاری را جزء مصادیق قمار بشماریم، تأمل و نظر است.^{۳۳}

البته شطرنج و نرد را از این قاعده مستثنا کرده و مطلق بازی با آنها را جایز نمی داند.

برای جواز و حرمت این قسم مسابقات به اصل و قصور ادله حرمت از این قسم بازی ها استدلال می شود:

قصور آیات^{۳۴}

الف. آیه شریفه:

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْعَعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)^{۳۵}

درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است».

این آیه در خود، قرینه دلالت کننده بر حرمت مال و عوض دارد و این آیه به وجوهی که ذیلاً اشاره می شود، قاصر از دلالت بر حرمت فعل بازی و مسابقه است:

۱. منسب به ذهن از منافع «میسر» همان منفعت مالی و مادی آن است؛ چنان که متعارف از منافع خمر نشنگی و با نشاط شدن است، هر چند منافع این دو اعم از این هاست؛ اما متبادر به ذهن در خمر منفعت روحی و در قمار منفعت مالی است.

۲. این سخن هم قابل پذیرش نخواهد بود که منفعت اعم از منفعت مالی و سرگرمی و تفریح در این گونه مسابقات است؛ چرا که ظاهر از میسر به قرینه وحدت سیاق، منفعت مالی و مادی آن است؛ چون خمر عین است، پس میسر هم عین باید باشد.

۳. این که مقتضای اشتقاق «میسر» — که از میسر گرفته شده — آن میسری است که در آن منفعت مالی در کار باشد؛ چنان که در عبارت مقدس اردبیلی (رحمه الله) به آن تصریح شده است: «علی ما فهم من اشتقاقه...»^{۳۶} که این عبارت اشاره به کلام زنجشیری در الکشاف دارد و مرحوم مقدس (رحمه الله) خود نیز این گونه به آن اشاره می فرماید:

قال في الكشاف: الميسر القمار، مصدر من يسر كالموعد و المرجع عن فعلهما، ... و اشتقاقه من اليسر لأنه اخذ مال رجل بيسر و سهولة من غير كد و تعب او من اليسار لأنه سلب يساره؛^{۳۷}

۳۱. جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸.

۳۲. زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

۳۳. المكاسب المحرمة، شيخ انصاری (رحمه الله)، ص ۴۸.

۳۴. از آنجا که ما آیه (لا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل) را حتی دلیل حرمت در قسم اول نمی دانستیم، چون آیه تنها دلیل بر حرمت اكل مال است و هیچ دلالتی بر حرمت فعل ندارد، در اینجا نیز متعرض این آیه نمی شویم.

۳۵. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۳۶. زبدة البيان في احكام القرآن، ص ۶۳۱.

زخمشری در الکشاف می گوید: میسر قمار است، مصدری از ریشه یسر مانند موعده از «وعد» و مرجع از «رجع»... و اشتقاق آن بدین جهت است که فرد برنده به سهولت و آسانی و بدون رنج و تلاش، مالک عوض از مالباخته می شود و اگر ریشه آن یسار باشد، بدین جهت است که توسط آن سلب آسایش مال باخته می شود.

پس همان طور که گفتیم، پایه و رکن میسر جهت مالی آن است.

ب. آیه ای که می فرماید:

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ)^{۳۸}

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟!)

این آیه علت حرمت را ایجاد عداوت و بغض از طرف شیطان بیان کرده است. این ادعا برای جایی صحیح است که مالی در بین باشد؛ زیرا این مال است که از دست دادن آن و یا به دست آوردن آن موجب دشمنی و کینه می شود و الا صرف سرگرمی و تفریح موجب این مسائل نمی شود و تمام مفاسد در بازی با عوض است؛ چنان که به این نکته نیز مرحوم سید احمد خوانساری (رحمه الله) اشاره کرده است.^{۳۹} پس این آیه هم قاصر از دلالت بر حرمت لعب به آلات و ابزار قمار بدون عوض است.

قصور روایات

روایات دلالت کننده بر حرمت قمار و میسر شامل این نحوه از لعب؛ یعنی بدون عوض نمی شود؛ چنان که مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله) به این مطلب تصریح فرموده است و ما قبلاً به آن اشاره کردیم:

الثانية اللعب بالآلات القمار من دون رهن، و في صدق القمار عليه نظر لما عرفت، و مجرد الاستعمال لا يوجب اجراء احكام المطلقات و لو مع البناء على اصالة الحقيقة في الاستعمال لقوة انصرافها الى الغالب من وجود الرهن في اللعب بما؛^{۴۰}

قسم دوم، بازی با آلات قمار بدون عوض است که در صدق قمار بر آن محل تأمل و نظر است. و این که قمار در این معنا و مفهوم به کار رفته (صرف استعمال) موجب اجرای احکام ادله مطلق قمار بر آنها نمی شود؛ اگر چه قایل به اصالت حقیقت در استعمال لفظ شویم؛ چون این ادله به آن مواردی که در آنها عوض و گروگذاری باشد، منصرف اند.

همان طور که از برخی لغوی ها نقل شده^{۴۱} آنها قمار را به مواردی که بازی با آلات قمار با عوض باشد، اختصاص داده اند.

اگر اشکال شود که بازی با آلات و ابزار قمار، تقویت باطل و وهن حق است، چنان که مرحوم امام خمینی (رحمه الله) به نقل از مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله) این طور فرموده اند،^{۴۲} در جواب خواهیم گفت که بازی با این آلات برای تفریح و سرگرمی برای جلوگیری از ارتکاب قمار واقعی (بازی با عوض) و یا سایر محرمات، واقعاً باعث تضعیف حق و تقویت باطل نخواهد بود؛ خصوصاً اگر اغراض عقلایی در آن نهفته باشد.

با قصور ادله حرمت از شمول این مورد و اصل اباحه، حلیت قسم دوم از مسابقات، یعنی بازی و مسابقه با آلات و ابزار قمار بدون عوض و گروگذاری متصور خواهد بود.

مسابقه با غیر آلات قمار با عوض و گروگذاری

این مسابقات خود به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. آنچه که در شرع مقدس از آن به عنوان مسابقات جایز نام برده شده و بر گروگذاری در آنها نیز صحه گذاشته است.

۳۷. همان، ص ۶۲۸؛ الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳۸. سوره مائده، آیه ۹۱.

۳۹. جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۸.

۴۰. المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

۴۱. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۶۳.

۴۲. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۰؛ تحف العقول، ص ۳۳۳.

۲. آنچه که شرع مقدس در خصوص آن ساکت است و هیچ تعرض و تصریحی در روایات نسبت به آنها نمی بینیم.

همان طور که می دانیم در صدر اسلام، چه در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و چه بعد از وجود مبارک حضرتش، مسلمانان با جنگ های زیادی روبه رو شدند. این موقعیت ایجاب می کرد که مسلمانان، چه از نظر ابزار و وسایل دفاعی و جنگی و چه از نظر قوای فکری و بدنی در شرایط مناسب و آمادگی رزمی خوبی قرار داشته تا در وقت مناسب و گاه لزوم جنگ یا دفاع، از توانایی لازم برخوردار باشند. از این رو است که خداوند تبارک و تعالی خطاب به مؤمنین چنین می فرماید:

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)؛^۳

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما باز گردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد.

از آیه فوق يك اصل کلی و قانون همیشگی مبنی بر ترویج و تشویق بر داشتن آمادگی رزمی و بالا بردن توانایی های نظامی و قوای دفاعی و رزمی مسلمانان برداشت می شود. ضرورت توانمندی در برابر دشمن يك اصل ثابت و تغییرناپذیر است. این ضرورت در زمانی بیشتر در سوارکاری و تیراندازی بود و اکنون دیگر بسیاری از عوامل مؤثر در قدرت و قوت جوامع تغییر کرده است. اگر روزی آن را در داشتن سربازان، اسبان و تیراندازهای بیشتر و قوی می دانستند، اکنون قدرت يك جامعه را علاوه بر داشتن قوای نظامی و ابزار و آلات متناسب و به روز، بالا بودن سطح دانش آن جامعه و وسعت و گسترش و برخورداری همه افراد آن از علم و در برخورداری تك تك افراد از فن آوری و دانش روز و جایگاه و نحوه تعامل دیگر جوامع در ابعاد بین المللی با آن می دانند؛ چرا که حتی برخورداری از قوای نظامی بیشتر، سرچشمه گرفته از داشتن قوای فکری و علمی بیشتر است و بین این دو وابستگی بسیاری است. بنابراین، به نظر می رسد با تغییر مقتضیات زمان و مکان، آمادگی و تقویت در برابر دشمنان نیز دارای مصادیق متفاوت از آن زمان هاست و در نتیجه، آمادگی در این جهات نیز ضروری و مورد لزوم است. الان این پرسش مطرح است که آیا در شرایط کنونی، میزان قدرت و توانایی کشورها را به میزان توانمندی آنها در سوارکاری و تیراندازی می سنجند و یا ملاک قدرت در بین آنها به میزان بهره مندی افراد و بالاخص جوانان از فن آوری روز، بهره مندی آنها از علوم مختلف روز و میزان رفاه و آسایش تك تك افراد جامعه است؟

امروزه، به واقع، هر کشوری از گسترش هر چه بیشتر علم و فن آوری در بین ملت خود و خصوصاً جوانان بهره مندی فزون تری داشته باشد، از قدرت بالاتری برخوردار است. پس آن ضرورت مورد اشاره در آیه ایجاب می کند که مسلمانان نیز خود را به این قدرت ها و امکانات و ابزار و آلات لازم آن، مجهز نمایند و از اسباب و مقدمات مهم رسیدن و تجهیز به این امور، برگزاری مسابقات با در نظر گرفتن جوایز ارزشمند برای تشویق و ترغیب یا شناسایی افراد نخبه است. پس آیا از این آیه — که بر اصل ثابت و تغییر نیافتنی لزوم آمادگی همیشگی در برابر دشمنان تأکید می کند — می توان بر جواز این نحوه از مسابقات استفاده کرد؟

به هر حال، روایات بسیاری در جواز مسابقاتی مثل سوارکاری، تیراندازی رسیده که علاوه بر اصل جواز این مسابقات، شرط بندی و گروگذاری در آنها را جایز می شمارند. ما به خاطر کوتاهی مجال و روشنی و کثرت روایات دلالت کننده بر جواز از ذکر آنها صرف نظر می نمایم. چنان که در اول بحث گفتیم فقهای عظیم الشأن کتابی را در فقه به نام «کتاب السبق و الرماية» به این موضوع اختصاص داده و به طور مفصل به بحث درباره آن پرداخته اند. ما در اینجا در صدد آن هستیم تا به يك سؤال مهم پاسخی مناسب دهیم. آن سؤال این است که در حال حاضر، با توجه به گسترش مسابقاتی مانند حفظ و قرائت قرآن، خطاطی، مسابقات ورزشی مختلف، فوتبال، والیبال، کشتی و تکواندو و مسابقات علمی متعدد در بین مسلمانان، این مسابقات چه حکمی دارند و درآمد حاصل از آنها نیز چه حکمی خواهد داشت؟

با بررسی ادله قایلان به حرمت و اثبات ناتمامی آنها بر آنیم تا راه حلی بر این مسأله مورد نیاز ارائه نماییم.

۱. آیات

آیه شریفه:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛^۴

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!
 (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ)؛^{۴۵}
 شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نمی آکید)، خودداری خواهید کرد؟!
 استدلال به این آیه ها به دو تقریب است:

الف: ازلام: برای روشن شدن وجه استدلال ابتدا ازلام را توضیح می دهیم. ازلام قمار عربی را می گویند که عبارت است از انداختن چوبه تیر، که به آن اقلام هم گفته می شود. و اما چگونگی این بازی این طور بوده که شتری را می خریدند و نحر می کردند، و آن را بیست و هشت قسمت می کردند، آن گاه ده چوبه تیر — که یکی نامش فذ، و دوم توأم، و سوم رقیب و چهارم حلس، و پنجم ناس، و ششم مسبل، و هفتم معلی، و هشتم منیح، و نهم سنیح، و دهم رغد، بود — قرار می دادند، و همه می دانستند که از این بیست و هشت سهم يك جزء سهم فذ است، و دو جزء سهم توأم، و سه جزء سهم رقیب، و چهار جزء سهم حلس و پنج قسمت سهم ناس، و شش سهم از آن مسبل، و هفت قسمت — که از همه بیشتر است — از آن معلی است، و هشتم و نهم و دهم سهم نداشتند. آن گاه به شکل بخت آزمایی دست می بردند، و یکی از آن ده تیر را بیرون می آوردند، اگر فذ بیرون می شد، يك سهم از بیست و هشت سهم را به کسی که فذ را به نامش بیرون آوردند، می دادند و اگر توأم بیرون می شد، دو سهم، و همچنین و اگر یکی از سه چوبه منیح و سفیح و رغد به نام کسی درمی آمد، چیزی از آن سهام عایدش نمی شد؛ با این که صاحبان این سه سهم در دادن پول شتر شرکت داشتند و این عمل همیشه میان ده نفر انجام می شد، و در تعیین این که چه کسی صاحب فذ، و چه کسی صاحب توأم و یا آن هشت چوبه دیگر باشد، با قرعه تعیین می کردند.^{۴۶}

استدلال به ازلام به الغای خصوصیت از ازلام به مطلق مسابقات به غیر آلات با عوض است؛ یعنی نه شتر و نه سهام خصوصیت دارد؛ يك نفر گوشت می برده و يك کسی هم می باخته است؛ شیئی را کسی مالک می شده و کسی هم ضرر می دیده است و در این مسابقات هم دقیقاً به همین شکل است؛ بنابراین، اینها هم باید حرام باشد.

اما این استدلال ناقم است؛ زیرا:

اولاً، ازلام قمار عربی است و ذکرش در این جا از باب متعارف و مورد ابتلای آن روز بوده است. قرآن هم — که در جامعه عرب و به زبان عربی نازل شده — عنایت داشته و این مورد را به عنوان یکی از موارد قمار ذکر کرده است؛ هم چنان که کلام علامه طباطبایی (رحمه الله) در این معنا صراحت داشت.
 پس در این صورت، یعنی وقتی ازلام از عناوین قمار شد، الغای خصوصیت از قمار به هر مسابقه و بازی حتی بدون آلات قمار درست نیست.
 ثانیاً، بر فرض الغای خصوصیت، باید آنچه را که از آن الغای خصوصیت می کنیم به آنچه می خواهیم حکم را به آن تسری دهیم، شباهت داشته باشد. پس بنابراین از ازلام — که آلات و ادوات بوده — الغای خصوصیت به مسابقه خوشنویسی — که مسابقه در افعال و اعمال است — نمی توان کرد؛ یعنی اگر در این جا هم ابزار و آلات و وسایلی در کار بود، الغای خصوصیت ممکن بود، ولی در غیر این صورت چنین چیزی قبیح است.

ب: تمسک به عموم علت در آیه است:

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ)؛^{۴۷}

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند.

بگویم در تمام مسابقات و بازی ها، عداوت و بغضا وجود دارد، و «العله تعمم كما أنّها تخصص». (علت، همانطور که باعث اختصاص حکم فقط در موارد وجود علت می شود، باعث تعمیم و تسری حکم در تمام موارد وجود علت نیز می گردد). پس بنابراین، همه مسابقه های با عوض و گرو گذاری حرام است.

اشکالی که در این استدلال وجود دارد، این است که در مسابقه ها، آن عداوتی که در خمر و میسر است، وجود ندارد. خمر با عداوت و بغضا ملازمه دارد، طبع خمر عداوت است، طبع میسر کینه و عداوت است؛ زیرا «من يعمل بالميسر لا يترك بمرّة»، (يك بار که باخت دست بر نمی دارد، آن قدر بازی

۴۴ . سوره مائده، آیه ۹۰ .

۴۵ . سوره مائده، آیه ۹۱ .

۴۶ . المیزان، ج ۲، ص ۱۹۲ .

۴۷ . سوره مائده، آیه ۹۱ .

می کند تا حتی زن و بچه اش را هم می بازد). در روایات^{۴۸} هم به این موضوع اشاره شده بود. به طور طبیعی، این نحوه بازی بغض و عداوت می آورد. و این غیر از آن است که چند نفر خطاط یا فوتبالیست مسابقه بگذارند.

بنابر این، عموم علت را قبول داریم، ولی این علت، در این نحوه از مسابقات جریان ندارد. اگر در جایی مسابقه ای پیدا شد که این علت، به حسب طبع، در آن جا می آمد، آن مسابقه هم حرام است. پس استدلال به این آیه شریفه هم تمام نیست.

۲. روایات

روایاتی که شیخ به آنها استدلال فرموده است:

۱. خبر علاء بن سیابه:

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَأَبْسَ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَ لَأَبْسَ بِشَهَادَةِ صَاحِبِ السِّبَاقِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَدْ أَجْرَى الْخَيْلَ وَ سَابِقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الرَّهَانَ فِي الْخُفِّ وَ الْحَافِرِ وَ الرَّيْشِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ قِمَارٌ حَرَامٌ^{۴۹}

شهادت کبوترباز مورد قبول است و همین طور کسی که بر آن شرط بندی و گروگذاری نماید. همانا رسول خدا اسب ها را به راه انداخت و مسابقه داد و می فرمود: در مسابقه و شرط بندی بر شتردوانی، اسب سواری، و کبوتر بازی یا تیراندازی ملائکه حاضرند و هر چه غیر از این قمار و حرام است.

دلالت این روایت قابل خدشه نیست و در این که مسابقه های با عوض حرام است، مانند نص است؛ لکن ضعف سند دارد؛ چون علاء بن سیابه مجهول است.^{۵۰}

۲. خبر علاء بن سیابه:

... ان الملائكة لتنفر عند الرهان و تلعن صاحبه ما خلا الحافر و الخف و الريش و النصل...^{۵۱}

در مسابقه های با عوض و گروگذاری ملائکه حاضر نشده و بر مسابقه دهندگان لعن می فرستند، مگر اسب دوانی، شتردوانی، کبوتربازی و تیراندازی...

این روایت هم مثل روایت گذشته اولاً ضعف سند دارد و ثانیاً تنفر و لعنت ملائکه دلیل بر حرمت نیست و اعم از حرمت است.

حضرت امام خمینی — سلام الله عليه — می فرماید:

لعن خدا و ملائکه و رسول خدا ظهور در حرمت دارد. وقتی ملائکه لعن می کنند، یعنی کار حرام است و در قرآن قریب به چهل بار این واژه به کار رفته که همگی در امور یا اشخاصی است که عذاب داشته اند؛ مثل کفار و منافقین، و در امور مکروه کاربرد نداشته است.^{۵۲}

لکن اشکال ما این است که اولاً در تمامی موارد کاربرد لعن در قرآن، این افعال قبل از تعلق لعن به آنها حرمتش روشن و واضح بوده است، و این طور نیست که با لعن حرمت آنها ثابت شده باشد. ثانیاً لعن یعنی طلب دوری از رحمت، و ما مدعی هستیم طلب دوری از رحمت، دلیل بر حرمت نیست، با کراهت

هم می سازد، شاهد آن هم، روایاتی است که در موارد مکروه وارد شده است؛ مثل:

لعن الله ثلاثة؛ آكل زاده وحده، و راكب الفلاة وحده، والنائم في بيته وحده^{۵۳}

سه نفر مورد لعن خداوند هستند: ۱. کسی که به تنهایی غذا خورد؛ ۲. کسی که به تنهایی در بیابان پای نهد؛ ۳. کسی که تنها در خانه بخوابد.

ان رسول الله (صلى الله عليه وآله) لعن الخامشة وجهها، و الشاقة جبيها، و الداعية بالويل و الثبورة^{۵۴}

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بر چند کس از زنان لعن فرستاد: آن که بر صورتش چنگ اندازد، آن که گریبان بدرد و آن که به ناله و نفرین و هلاکت و زیان دعا کند.

۴۸. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۴۹. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

۵۰. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۷۲.

۵۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۱۳.

۵۲. المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳.

۵۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۳۳.

۵۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۲.

لعن رسول الله (صلى الله عليه وآله) النائحة والمستمعة؛^{۵۵}

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) بر نوحه گر و شنونده آن لعنت فرستاد.

۳. ما عن ياسر الخادم، عن الرضا (عليه السلام) قال: سألتُه عن الميسر. قال: التفل من كل شيء قال الخبز والتفل ما يخرج بين المتراهنين من الدراهم وغيره.^{۵۶}

این روایت نیز، هم ارسال دارد و هم یاسر خادم و ثاقفش ثابت نیست.^{۵۷}

۴. صحیححه معمر بن خلاد:

و كل ما قومر عليه فهو ميسر.^{۵۸}

هر چیزی که بر آن شرط بندی و گروگذاری شود ميسر است.

۵. خبر جابر:

عن ابي جعفر (عليه السلام) قيل: يا رسول الله! ما الميسر؟ فقال: كل ما تقومر به حتى الكعب والجوز.^{۵۹}

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) درباره ميسر سؤال شد، فرمود:

هر چه به آن قمار شود؛ حتی قاب و گردو.

شیخ استدلال را این طور بیان می فرماید:

و الظاهر ان المقامرة بمعنى المغالبة على الرهن؛^{۶۰}

مقارمه در برتری جوی بر عوض و گرو ظهور دارد.

وجه استدلال در این دو روایت این است: از آنجا که مقارمه به مطلق مسابقه بر عوض و گرو گفته می شود، این دو حدیث بر حرمت عمومیت دارند.

ضعف استدلال نیز بسیار روشن است؛ چرا که مقارمه در مسابقات به عوض با آلات قمار ظهور دارد، نه در مطلق مغالبه؛ ضمن این که در خبر جابر، عمرو

بن شمر ضعیف است.^{۶۱}

طبق آنچه گذشت، به طور خلاصه، به چند وجه در این روایات استدلال شده است:

۱. عمومیت قمار و این که این نحوه از مسابقات از مصادیق قمار است، که ما گفتیم قمار فقط بر مسابقات با آلات قمار با عوض صادق است.

۲. لعن ملائکه دلیل بر حرمت است، که ما این ادعا را نیز رد کردیم.

۳. با استفاده از روایت «حتی الکعب و الجوز» استدلال می شد این روایت در مقام بیان حرمت هر مسابقه با هر چیزی است، که ما در جواب آوردیم این

روایت نهایتاً می خواهد بگوید که مسابقات با اشیایی مثل اینها اشکال دارد و ربطی به مسابقات با افعال و اعمال، مثل کشتی، خطاطی و مسابقات حفظ و

قرائت قرآن ندارد. به علاوه، این اخبار عموماً با ضعف سند روبه رو هستند.

حدیث «لا سبق»

یکی دیگر از وجوهی که به آن بر حرمت این گونه مسابقات استدلال شده، حدیثی است که از رسول الله (صلى الله عليه وآله) به طرق عامه و از امام

صادق (عليه السلام) به صورت صحیح، به طرق خاصه نقل شده است:

لا سبق إلا في خف أو حافر أو نصل...^{۶۲}

۵۵. همان، ص ۴۵۳.

۵۶. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۵۷. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۰۷.

۵۸. همان، ص ۳۲۳.

۵۹. الکافی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۶۰. المكاسب المحرمة، شیخ انصاری، ص ۴۸.

۶۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۰۶.

۶۲. وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

هیچ مسابقه ای صحیح نیست، جز شتردوانی یا اسب دوانی و یا تیراندازی.

قبل از ورود به بحث، ناچار به ذکر مقدمه ای هستیم و آن این که واژه «سبق» در این جا چگونه قرائت می شود. آیا قرائت به سکون باء صحیح است و یا به فتح باء؟ نظر به این که هر يك از اینها در خود معنا و مفهوم متغایر نسبت به یکدیگر دارند و منشأ آرا و فتاوی مختلفه شده اند، تأمل و دقت بیشتری را می طلبد.

مرحوم شهید ثانی (رحمه الله) می فرماید:

و ربما رواه بعضهم بسكون الباء، و هو المصدر، أی لا يقع هذا الفعل إلا في الثلاثة، فيكون ما عداها غير جائز، و من ثم اختلف في المسابقة بنحو الأقدام، و رمى الحجر، و رفعه، و المصارعة، و بالآلات التي تشتمل على نصل، بغير عوض هل يجوز أم لا؟ فعلى رواية الفتح يجوز، و على السكون لا. و في الجواز مع شهرة روايته بين المحدثين موافقة للأصل، خصوصاً مع ترتب غرض صحيح على تلك الأعمال؛^{۶۳}

بعضی آن را به سکون باء روایت کرده اند که در این صورت معنای مصدر آن (مسابقه دادن) مراد خواهد بود؛ یعنی مسابقه دادن جز در آن سه مورد جایز نیست. به همین جهت در مسابقه هایی مانند دویدن، پرتاب سنگ، کشتی و مسابقه با چیزهایی که تیر در آنها به کار می رود، البته بدون گروگذاری و عوض، آرا و نظریات مختلف است؛ بدین معنا که اگر روایت فتح گزیده شود، این مسابقه ها جایز و بنابر روایت سکون، این ها غیر جایزند. از آنجا که روایت فتح مشهورتر می باشد، گزینش آن بهتر و از طرفی موافق با اصل هم هست؛ خصوصاً که اگر اهداف صحیح و مصلحت آمیز پشتوانه آن بوده باشد. نیز مرحوم فیض کاشانی (رحمه الله) در وافی چنین می آورد:

و السبق إن قرئ بتسكين الباء أفاد الحديث المنع من الرهان في غير الثلاثة و إن قرئ بالتحريك، فلا يفيد إلا المنع من الأخذ و الإعطاء في غيرها دون أصل المسابقة؛^{۶۴}

و اگر به سکون باء «سبق» خوانده شود، حدیث در صدد بیان حرمت مسابقه با عوض و گرو در غیر موارد سه گانه است و اگر محروک (به فتح با) خوانده شود، حدیث می خواهد بفهماند فقط گروگذاری اشکال دارد و اصل مسابقه بلامانع است.

اما صاحب ریاض (رحمه الله) از این حدیث بر حرمت هر مسابقه ای، مطلقاً جز در موارد سه گانه استفاده می کند؛ آنجا که می گوید:

لعدم امکان ارادة نفي الماهية، فتحتمل على اقرب المجازات و هو اما نفي جميع احكامها التي منها الصحة و المشروعية او نفيها خاصة؛^{۶۵}

منظور از نفي نمی تواند اراده نفي ماهیت مسابقه باشد، چون به هر حال مسابقه در بین مردم جاری و ساری است. حال که منظور نفي حقیقی نیست، پس باید بر نزدیک ترین مجازها آن را حمل کرد. پس منظور از این نفي، یا نفي همه احکام از جمله صحت و جواز مشروعیت است و یا منظور فقط نفي صحت و جواز مشروعیت است.

که بر این مبنا هیچ مسابقه جایزی نیست، مگر در آن موارد سه گانه.

در برابر این نظر سختگیرانه يك نظریه کاملاً متفاوت از این حدیث استنباط شده است. مستنبط این رأی دقیق، فقیه محقق مرحوم مقدس اردبیلی (رحمه الله) و به دنبال او مرحوم فاضل سبزواری (رحمه الله) است.

محقق اردبیلی (رحمه الله) چنین می نویسد:

و لا دلالة في الخبر على الوجهين على التحريم اما على الأول فلما ذكر و لأنه قد يقال معناه ان لا لزوم أو لا يملك للسبق و العوض إلا في هذه الثلاثة من بين

الأسباق و الأفعال التي يسابق عليها، فلا يدل على تحريم الفعل و الملاعبة مع العوض و الرهانة أيضا، بل لا يدل على تحريم العوض أيضا؛^{۶۶}

در این خبر در هیچ يك از دو حالت (فتح و سکون) دلالتی بر حرمت نیست، اما بنابر فتح، چون احتمال دارد این گونه معنا شود که لزومی در کار نیست، یا ملکیتی بر گرو و عوض حاصل نمی شود، مگر در همین سه مورد از مسابقات. پس دلالتی بر حرمت اصل بازی و مسابقه حتی با عوض را ندارد، بلکه از این هم بالاتر دلالتی بر تحريم عوض و گرو هم ندارد. . .

محقق سبزواری (رحمه الله) در خصوص این حدیث می گوید:

۶۳ . مسالك الأفهام، ج ۶، ص ۷۰.

۶۴ . الوافی، ج ۱۵، ص ۱۵۱.

۶۵ . ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

۶۶ . مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

و لا يخفى أن الخبر الأوّل على الوجهين لا يتعين معناه فيما ذكره، بل يحتمل غيره، فإنه على الفتح يحتمل أن «لا لزوم» أو «لا تملك» أو «لا فضل» للسبق و العوض إلاً في هذه الثلاثة من بين الأفعال التي يسابق عليها. و على هذا لا دلالة للخبر على تحريم الفعل و الملاعبة مع العوض أيضاً في غير الثلاثة، بل لا يدلّ على تحريم العوض أيضاً. و على السكون يحتمل أن يكون معناه: لا اعتداد بسبق في أمثال هذه الأمور إلاً في الثلاثة. أو: لا فضل لسبق إلاً في الثلاثة، فلا يكون دالاً على التحريم؛^{۶۷}

ایشان بعد از آن که انحصار معنای «سبق» را در آنچه مرحوم شهید ثانی (رحمه الله) نقل کرده رد می کند، این چنین می گوید:
احتمالاً در قرائت فتح، منظور از «لا سبق» نفی «لزوم» یا «ملکیت» و یا «فضیلت» در غیر موارد سه گانه از افعال و اعمالی که بر آن مسابقه داده و گروه گذاری می شود، باشد. در این صورت، دلیلی بر حرمت سایر مسابقه ها و عوض و گروه گذاری در آنها نخواهد بود و بنابر قرائت سکون، احتمال دارد این گونه معنا شود: اعتنا و اعتدای در مسابقات به جز موارد سه گانه نیست یا فضیلت در هیچ مسابقه جز این موارد سه گانه نیست. در این صورت هم دلالتی بر تحريم سایر مسابقه ها نخواهد داشت.

بر مبنای این دو بزرگوار مسابقه و گروه گذاری در غیر موارد سه گانه معین در نصوص، نیز جایز است. به نظر ما هم این رأی به حقیقت نزدیک تر می نماید؛ از آن جهت که با حقیقت سهله و سمحه دین (مورد اشاره در حدیث نبوی):

بعثني بالحنيفية السهلة السمحة.^{۶۸}

سازگارتر بوده و همچنین موافق اصل حلیت و جواز است، (البته بعد از بطلان ادله قایلان به حرمت) و نیز به عموماً معترض است؛ مثل: المؤمنون عند شروطهم.^{۶۹}

و البته ناگفته نماند که نفی مفهوم فضل و کمال در روایت «لا سبق» مؤید است بر آنچه گفته می شود:
لا صلاة لجار المسجد الا في مسجده.^{۷۰}

که در واقع، نفی ماهیت و نفی صحت و جواز از نماز همسایه مسجد نمی کند، بلکه نفی کمال و فضل این گونه نماز را می نماید.
و نیز می توان بر جواز و حلیت به آیه شریفه زیر تمسک کرد:

(يَسْأَلُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَأَتَأْكُلُوا مِنْكُمْ لِبَاطِلٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ)؛^{۷۱}

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

با الغای خصوصیت از تجارت به هر چیزی از افعال و اعمال انسان ها که می تواند درآمد داشته و نزد عقلا باطل نیست، این مسابقات در بسیاری از موارد به لحاظ اغراض و اهداف عقلایی موجود در آنها باطل نبوده، پس جایز است؛ خصوصاً اگر اغراضی چون سلامتی قوای فکری و بدنی و تقویت بنیه فکری در پی داشته باشد.

مرحوم صاحب جواهر — قدس سره — از منظر دیگری به این حدیث نگریسته و برداشت دیگری کرده است. حاصل کلام ایشان این است که «لا سبق» در صدد بیان عدم جواز سایر مسابقات (غیر موارد سه گانه) به عنوان عقد مسابقه است؛ چون شارع مقدس عقد مسابقه را در همین سه مورد قرار داده. پس اگر کسی بخواهد به عنوان مسابقه این کار را بکند، کار او خروج از حد شرعی است؛ اما اگر به عنوان دیگری، غیر از مسابقه بیاورد، دلیل بر حرمتش نداریم و این حدیث ربطی به آن ندارد:

لكن ينبغي أن يعلم أن التحقيق، الحرمة و عدم الصحة إذا أريد إيجاد عقد السبق بذلك، إذ لا ريب في عدم مشروعيته، سواء كان بعوض أو بدونه، و لو للأصل، فضلاً عن النهي في خبر الحصر. أما فعلة لا على جهة كونه عقد سبق، فالظاهر جوازه، للأصل و السيرة المستمرة على فعلة في جميع الأعصار و الأمصار من الأعمام و العلماء؛^{۷۲}

۶۷ . كفاية الاحكام، ج ۱، ص ۷۱۸.

۶۸ . الكافي، ج ۵، ص ۴۹۴.

۶۹ . وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۲۷۶.

۷۰ . همان، ج ۵، ص ۱۹۴.

۷۱ . سوره نساء، آیه ۲۹.

۷۲ . جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۲۲۱.

رای صائب حاصل از تحقیق این است که، اگر این مسابقات با نیت و عنوان عقد مسابقه برگزار شود، مطلقاً حرام و ناصحیح است؛ چه با عوض و چه بدون آن. این رأی علاوه بر دلالت همین حدیث مطابق اصل هم هست؛ اما برگزاری آن نه در قالب و چارچوب عقد مسابقات، بلکه مطلق فعل بازی بدون عقد مسابقه به پشتوانه اصل و سیره مستمر مسلمین بر انجام این گونه مسابقات در زمان ها و مکان های مختلف در بین عالمان و غیر آنها، ظاهر این است که جایز باشد.

بعد ایشان پای را فراتر نهاده، می فرماید:

بل لا یبعد جواز اباحتها علی العوض علی ذلك و الوعد به مع استمرار رضاهما به لا علی أنه عوض شرعی ملتزم؛^{۷۳}

بعید نیست بتوان قایل به جواز این مسابقات حتی با عوض شد؛ البته با استمرار رضایت طرف ها بر دادن جایزه، بنا بر وفای به عهد و وعده، و نه در قالب یک عقد شرعی الزام آور بر پرداخت عوض در مسابقه.

حقیقت مطلب این است که چنین برداشتی از این حدیث، تعبد بلاوجه است، و فهم این تعبد از این روایت عرفاً مشکل است؛ اگر نگوییم لغو است. چه فرقی می کند که مثلاً کشتی اگر به عنوان عقد مسابقه اجرا شود، حرام باشد، و اگر به عنوان عقد مسابقه اجرا نشد، همین مسابقه با حفظ تمام خصوصیاتش جایز و صحیح باشد؟

این گونه موارد از قراردادهای عقلایی است، و در قراردادهای عقلایی و بناهای عقلایی، تعبد به حرمت محتاج معونه زیاد است و بدون دلیل نمی شود قایل به حرمت چیزی شد؛ به عنوان مثال، خمر حرام است، چون مفاسد زیادی دارد. اما بیع شیر، حلال است؛ چون مفاسد ندارد، بلکه فوایدی هم دارد. ثانیاً وقتی فرق بین حرمت و حلیت فقط به عقد السبق باشد، مردم برای این که کارشان را انجام دهند، بدون عقد السبق انجام می دهند، که در این صورت لغوی بودن پیش می آید.

شبیبه آنچه امام خمینی(رحمه الله) در باب ربا می فرماید. ایشان می فرماید:

به حکم عقل می فهمیم حیل باب ربا درست نیست؛ برای این که شارع آمده یک جا ربا را به شدت حرام کرده و بعد خودش راه فرار از این حرمت شدید ایجاد می کند. این کار شارع موجب لغوی بودن در احکام می شود.^{۷۴}

از آنچه تا کنون گفتیم روشن شد که، مسابقات به غیر آلات و ابزار قمار اگر عرفاً از مصادیق قمار به حساب آید، و قمار بر آن صدق کند، مثل طاق و جفت و یا شیر و خطی که برای برد و باخت بازی می شود، این گونه بازی ها غیر جایز و عوض و مالی که از آن حاصل می شود نیز حرام است. و اگر قمار صدق نکرد، ولی غرض عقلایی هم در آن نیست، هر چند حرمت تکلیفی ندارد، ولی موجب حرمت وضعی شده و تصرف در عوض و مال حاصل از آن خالی از اشکال نیست. دلیل حرمت وضعی، آیه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» است؛ چون این گونه موارد از مصادیق باطل عرفی است اما حرمت تکلیفی ندارد؛ چون هر هو و لعبی حرام نیست و برای اثبات حرمت هو و لعب احتیاج به دلیل خاص داریم. در نتیجه مسابقات و بازی ها با غیر ابزار و آلات قمار با عوض اگر از مصادیق قمار محسوب نشود و اغراض عقلایی هم در پی آنها باشد، هم جایز و هم موجب ملکیت و لزوم می شود و باید حق السبق پرداخت شود.

۳. اجماع

یکی دیگر از ادله حرمت، اجماع است؛ چنان که سید علی طباطبایی(رحمه الله) صاحب ریاض آن را نقل کرده و حجت هم می داند:

فالمع اظهر، لحجیة الاجماع المنقول، سیما مع التعدد، و الاعتضاد بالشهرة، و...؛^{۷۵}

حرمت ظاهرتر است؛ چون اجماع منقول در این موضوع، خصوصاً با تعدد و تکرار نقل ها حجت است.

اشکالی که به این اجماع وارد است، آن است که اجماع در يك مسأله اجتهادی بوده و بعید نیست ناشی از همان مسائل اجتهادی باشد و همان طور که در جای خودش ثابت شده، اجماع مدرکی حجت نیست و باید مدرک این اجماع، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. حضرت امام خمینی(رحمه الله) نیز به این مسأله اشاره فرموده اند:

لکن الاعتداد بها لا یجوز...^{۷۶}

۷۳. همان، ص ۲۲۲.

۷۴. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۵۵۲ - ۵۵۳.

۷۵. ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

اشکال دیگر ایشان به این اجماع این است که شاید نقل این اجماع، از اجتهاد در کلمات اصحاب حاصل شده باشد؛ به این معنا که استظهار حرمت تکلیفی از آرا و فتاوی آنها شده باشد، در صورتی که مراد همه ایشان و یا حداقل بعضی از ایشان حرمت وضعی است؛ پس نقل اجماع و یا نقل این گونه عدم خلاف اعتباری ندارد.^{۷۷}

۴. صدق مفهوم قمار

دلیل دیگر قایلان حرمت، این است که یکی از مصادیق و موارد قمار، همین گونه مسابقات است و عنوان قمار هم بر این بازی ها صدق می کند. مستدل به این دلیل هم مرحوم سید علی طباطبایی (رحمه الله) در ریاض^{۷۸} و به دنبال ایشان مرحوم آقای خویی (رحمه الله) در مصباح الفقاهه است:

صدق مفهوم القمار علیه بغير عنایة و علاقة، فقد عرفت ان الظاهر من اهل العرف و اللغة ان القمار هو الرهن على اللعب بأى شىء كان؛^{۷۹} مفهوم قمار بر این بازی ها بدون مشکل و احتیاج به قرینه صدق می کند و همان طور که قبلاً گفته شد، ظاهر کلمات اهل لغت و عرف بر این بود که قمار عبارت است از بازی و مسابقه با گروگذاری با هر چیزی.

اولاً، بر هر متبعی روشن است که حتی اگر بر فرض، قمار بر بازی با آلات قمار بدون عوض صدق کند؛ قطعاً بر این موارد صدق نمی کند. اما از جهت لغوی — که از بعض لغوی ها نقل شد — قمار فقط به بازی های با آلات قمار با عوض گفته می شود^{۸۰} و بعضی دیگر هم بدون عوض را، از آن شمرده اند. و شمول آن بر این موارد بسیار مشکل است. و اما از جهت عرفی، ما سراغ نداریم که به مسابقاتی مثل دویدن، کشتی، خطاطی و حفظ و قرائت قرآن، کسی لفظ قمار بازی را اطلاق کرده باشد.

ثانیاً، اگر از اشکالات اول صرف نظر کنیم و حرمت مسابقه با عوض و گروگذاری با هر چیز و شینی را بپذیریم، این اشکال مطرح می شود که مسابقاتی چون دویدن، فوتبال و کشتی فعل و عمل است، و لیکن آن تعریفی که ارائه شد، مسابقه با شئی و آلت را مشکل می دانست؛ شاید «حتى الكعاب و الجوز»^{۸۱} اشاره به همین دارد. شاهد بر این مطلب که اینها از موارد قمار نیست، عبارتی است که در ادامه ایشان می فرماید:

و اذا صدق علیه مفهوم القمار شملته المطلقات الدالة على حرمة القمار و الميسر و الازلام، و حرمة ما اصيب به من الاموال غاية الامر ان الموارد المنصوصة في باب السبق و الرماية قد خرجت عن هذه المطلقات؛^{۸۲}

وقتی این بازی ها از مصادیق قمار به شمار آیند، مشمول ادله مطلق حرمت قمار شده، در نتیجه، اموال حاصل از آن نیز حرام خواهد بود. و مواردی که در باب سبق و رمایه هست، از این ادله با ادله دیگری — که همان روایات است — خارج شده اند.

محل شهادت این است که لسان ادله حرمت قمار، آبی از تخصیص است و آن شدت و حدت در حرمت، تخصیص بردار نیست. همان طور که گفتیم آیه: (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛^{۸۳}

شراب و قمار و بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! به وجه مختلف دلالت بر حرمت می کرد و شاید کمتر آیه ای در بیان حرمت با این شدت و عظمت و منفوریت آمده است. آیا این لسان و این شدت لحن قابل تخصیص است، که بگوییم قمار بازی به شدت حرام، اما قمار بازی در سه مورد اشکال ندارد؟

۷۶ . المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۳.

۷۷ . همان.

۷۸ . ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۷۹ . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

۸۰ . مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۶۳.

۸۱ . الكافي، ج ۵، ص ۱۲۲.

۸۲ . مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۷۵.

۸۳ . سوره مائده، آیه ۹۰.

مسابقه با غیر آلات قمار بدون عوض و گروگذاری

مرحوم سید احمد خوانساری (رحمه الله) درباره این نحوه از مسابقات این گونه می فرماید:

و الأكثر علی ما حکي علی التحريم بل ادعي الإجماع علیه و الظاهر أن مدرکهم عموم النهي إلاً في الثلاثة، الخفّ و الحافر و النصل، و لفظ السبق في الرواية یحتمل أن یكون- محرکاً بفتح الباء- و أن یكون بالسکون فعلى الأول يرجع إلى عدم تملک العوض و الحرمة الوضعية، و علی الثاني يرجع إلى الحرمة التکلیفیة بالنسبة إلى نفس الفعل، و مع الاحتمال لا مجال للحکم بالحرمة، بل مع احتمال السکون یمكن دعوی الانصراف إلى صورة المسابقة مع العوض، و لا مجال للاستدلال بحرمة اللّهُو و الباطل و قد یتعلّق بهذه الأفعال غرض صحیح مورد لتوجّه العقلاء به كحفظ الصحّة و تقوية البدن في المصارعة؛^{۸۴}

بیشتر فقها، طبق آنچه نقل شده، قایل به حرمت در این مورد هستند، بلکه ادعای اجماع بر آن شده و ظاهراً مدرک ایشان بر حرمت، همان عموم نمی از مسابقه جز در موارد سه گانه است. اگر در روایت «لا سبق» قرائت فتحه را بپذیریم، فقط دلالت بر عدم تملک و حرمت عوض می کند (حرمت وضعی) و در روایت سکون، دلالت بر حرمت تکلیفی، یعنی نفس مسابقه. و با وجود این احتمال، استدلال به این روایت بر حرمت ناممکن می شود؛ بلکه حتی بر فرض قرائت سکون، می توان ادعا کرد حرمت تکلیفی هم منصرف به مسابقات با عوض باشد.

استدلال به حرمت لهُو و لعب در این موارد شایسته نیست؛ زیرا در برخی موارد به این گونه افعال غرض عقلایی صحیح تعلق می گیرد؛ مثل سلامتی و تقویت قوای بدنی در کشتی.

با توجه به آنچه گذشت، وضعیت صورت چهارم مسابقات یعنی بازی با غیر آلات و وسایل قمار، بدون عوض از دیدگاه ما نیز روشن می شود؛ چرا که به اولویت حکم جواز در اینجا صادر می شود و احتیاجی به بحث ندارد؛ چون ادله ای که برای حرمت به آن استدلال شده، همان ادله قمار و میسر است که صدق آنها در صورت سوم راحت تر و با معونه کمتری بود، ما بپذیرفتیم و رد کردیم، و استدلال به لهُو و لعب بودن این مسابقات نیز مردود است؛ زیرا اولاً، بسیاری از این افعال عرفاً و در واقع از مصادیق لهُو و لعب نیستند؛ خصوصاً اگر از اغراض و اهداف عقلایی برخوردار باشند؛ مثلاً مسابقات ورزشی که با هدف سلامتی، تقویت قوای فکری و بدنی، جلوگیری از اعتیاد و مفسد متعدد دیگر برگزار می شود. بر فرض اگر هم از لهُو و لعب محسوب شود، هر لهُو و لعب را نمی توان گفت حرام است و احتیاج به دلیل خاص دارد؛ و الاً بسیاری از کارهایی که انجام می شود، باید حرام باشد.

نتیجه

بررسی دقیق و موشکافانه آیات و روایات ما را به این مسأله رهنمون می نماید که تنها مورد حرام از مسابقات، بازی با آلات و ابزار و وسایلی است که برای قمار ساخته شده است؛ آن هم در صورتی که برای برد و باخت و دست یابی به گرو و عوضی که برای این کار در نظر گرفته شده، انجام شود. ادله حرمت قمار، چه آیات و چه روایات، بقیه اشکال مسابقات را شامل نمی شود؛ یعنی بازی با آلات و وسایل قمار بدون برد و باخت و گروگذاری، و بازی و مسابقه بدون ابزار و وسایل قمار، چه با عوض و گرو گذاری و چه بدون آن، محکوم به جواز است؛ چه این که آن دسته از آیات و روایات که لفظ قمار و میسر در آنها به کار رفته، گفته شد از جهت لغوی و عرفی تنها بر مورد اول — که همان بازی با ابزار و آلات قمار است — صدق می کند. عمده دلیل در این مسأله، همان روایات وارد شده در «کتاب السبق» بود که عموماً انجام مسابقات جز در موارد سه گانه منصوص در روایات را جایز نمی دانست. همان طور که گفته شد، ما این روایات را نهایتاً دلیل بر نفی افضلیت در سایر مسابقات دانستیم و نظر به این که بیشتر این مسابقات از اغراض عقلایی و اهداف بسیار مفید، مانند ترویج و اشاعه فرهنگ اسلامی در ابعاد بین المللی، پرورش روح جوانمردی، کشف و شناسایی فرهیختگان و نجیبان در مسابقات علمی و جلوگیری از مفسد عظیمی چون اعتیاد و فحشا برخوردار هستند، قرار دادن آنها در زمره لهُو و لعب و شمارش آنها از مصادیق لهُو و لعب مورد نمی شارع مقدس، کاری دور از صلاح و صواب به نظر می رسد.

کتابنامه

- ۱ . تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه وآله) ، حسن بن علی بن شعبه حرّانی (قرن ۴ ق) ، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، ۱۴۰۴ ق.
- ۲ . تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، طهران: چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ ق.
- ۳ . تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة ، محمد بن حسن الحرّ العاملي (م ۱۱۰۴ ق) ، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث ، ۱۴۰۹ ق.
- ۴ . تنقيح المقال ، شيخ عبدالله المامقاني، نجف اشرف: مطبعة المرتضوية.
- ۵ . جامع المدارك في شرح المختصر النافع، سيد احمد خوانساري، مؤسسة اسماعيليان للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.
- ۶ . جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفي (م ۱۲۶۶ ق)، بيروت: دار احياء التراث العربي، هفتم.
- ۷ . رياض المسائل في تحقيق الاحكام بالدلائل، سيد علي طباطبائي، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث، ۱۴۱۸ ق.
- ۸ . زبدة البيان في احكام القرآن، احمد بن محمد مقدس اردبيلي (م ۹۹۳ ق)، قم: المكتبة الجعفرية لاحياء الآثار الجعفرية، اول.
- ۹ . صحيفه نور، امام خميني (رحمه الله)، طهران: وزارت ارشاد اسلامي.
- ۱۰ . فرهنگ فارسي معين، دكتور محمد معين، طهران: مؤسسه انتشارات امير كبير، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۱ . الكافي ، ابو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني (م ۳۲۹ ق) ، طهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۸ ق/ ۱۳۵۶ ش، ۸ جلد .
- ۱۲ . كتاب البيع، امام خميني، طهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الامام الخميني.
- ۱۳ . كتاب المكاسب، شيخ مرتضى انصاري، دار الحكمة، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۴ . الكشّاف عن حقائق التزويل ، محمود بن عمر زمخشري (م ۵۳۸ ق) ، بيروت: دار الكتاب العربي، سوم، ۱۴۰۷ ق .
- ۱۵ . كفاية الاحكام، محقق سيزواري، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.
- ۱۶ . لسان العرب، ابن منظور، انتشارات دارالصادر.
- ۱۷ . مجمع البحرين، شيخ فخر الدين طريحي، طهران: كتاب فروشى مرتضوى.
- ۱۸ . مجمع الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الازهان، احمد مقدس اردبيلي (م ۹۹۳ ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۹ . مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، زين الدين بن علي بن احمد عاملي، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۰ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري (م ۱۳۲۰ ق) ، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ ق .
- ۲۱ . مصباح الفقاهة، سيد ابوالقاسم خوي (۱۳۱۷-۱۴۱۳ ق).
- ۲۲ . معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم خوي (۱۳۱۷-۱۴۱۳ ق)، قم: مركز نشر آثار شيعة، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۳ . منتهى المطلب في تحقيق المذهب، علامه حلي، مطبعة الحاج احمد آغا و محمود آغا، ۱۳۳۳ ق.
- ۲۴ . الميزان في تفسير القرآن ، محمد حسين طباطبائي، مؤسسة اسماعيليان.